

**پوتین: مذاکرات صلح با اوکراین به بن بست رسیده است**

«ولادیمیر پوتین» پس از ۶ هفته از آغاز عملیات نظامی ویژه‌اش در اوکراین، در نخستین سخنرانی خود طوفانی ظاهر شد و در حالی که درباره بن بست مذاکرات هشدار داد و پیروزی را از آن نیروهایش خواند، با کنایه‌ای به غربی‌ها اعلام کرد هرگز به زانو در آمدن روسیه را نخواهند دید.

فانتری دنیای آزاد!

جنگ روسیه و اوکراین تحریم‌های اقتصادی بسیاری از سوی دولت‌های غربی را علیه این کشور به راه انداخته است. برخی مانند آلمان، پس از سال‌ها هزینه‌های نظامی خود را افزایش داده‌اند. در این اقدامات، برخی تحلیلگران مانند مایکل بکلی و هال برتدز در مجله فارن افرزمی نویسند که واکنش بین‌المللی به تهاجم، فراتر از بحران کنونی بازناب خواهد داشت.

چگونه دولت سیزدهم توانست

ملت را با نهاد دولت آشتی دهد؟

شان ریاست «خدمتگزاری» است

**ماهیت دولت‌ها را از مردمانشان باید شناخت**

به نظرمی‌رسد که برای درک دقیق‌تر از موقعیت دولت سیزدهم نسبت به شرایط اجتماعی، باید موقعیت آن را با موقعیت و شرایط اجتماعی دولت پیش از آن مقایسه کرد و این مقایسه نتایج بهتری از مقایسه با هر دولت دیگری را به دست می‌دهد، زیرا از جهت زمانی این دو دولت به هم نزدیک هستند و ترسیم روابط علی میان اجزای نظرات بحث حاضر منطقی‌تر و روشن‌تر است. حافظه تاریخی نزدیک، مخاطب را درباره وقایع دولت قبل و عملکرد آن بخوبی یاری می‌کند تا بتواند به مقایسه نسبی دولت‌های دوازدهم و سیزدهم بپردازد. در عنوان یادداشت، عبارت «آشتی ملت با نهاد دولت» آمده است، برای توضیح بهتر این عبارت باید این سؤال را طرح کرد که اساساً آشتی مردم با نهاد دولت به چه معناست؟ وقتی از قهر میان دو چیز صحبت می‌کنیم، یعنی قبلاً ارتباطی میان آنها وجود داشته و برای مدتی این ارتباط کمرنگ شده یا از بین رفته است. متقابلاً آشتی نیز بدان معناست که ارتباطی که قبلاً وجود داشته و در مقطعی کمرنگ شده، دوباره ترمیم شده، به وجود آمده یا تقویت شده است. دولت به واسطه ماهیت مردم‌سالاری در ایران و شیوه مشارکت مستقیم در انتخابات، همواره نهادی مردمی به حساب آمده است. اگرچه به شیوه مشارکت مستقیم در جای خود نقدهایی وارد است و از جنبه‌های مختلف در جای خود قابل بررسی است، اما یکی از مزایای این نوع مشارکت آن است که دولت برآمده از آن دولتی اصیل و کاملاً مردمی است. به این معنا که ماهیت دولت را ماهیت رأی دهندگان شکل می‌دهد و دولت، برآمده از دیدگاه‌های آنها است. دولت‌ها در ایران در مقاطع مختلف آیین‌های تمام و کمال

از ماهیت جامعه و شرایط اجتماعی روز بوده‌اند. هرگاه مردم از شعارهای نامزدی استقبال کرده‌اند و به او رأی داده‌اند تا دولت خود را روی کار بیاورد، این معنا را دارد که آن شعارها و اهداف مرتبط با آن، در دولت قبل مورد توجه قرار نداشته‌اند. اقبال و ادبار جامعه نسبت به دولت‌ها در مقاطع زمانی مختلف نشان می‌دهد که اولاً افکار عمومی درک درست و دقیقی از آنچه در گذر دوران اتفاق می‌افتد، دارد. ثانیاً نهاد دولت بیشتر از هر کشور دیگری نهادی مردمی است و حیات سیاسی خود را از حیات اجتماعی می‌گیرد. مردمی بودن نهاد دولت لزوماً به این معنا نیست که دولت‌ها توانسته‌اند انتظارات مردم را به طور کامل برآورده کنند، بلکه این معنا را می‌دهد که دولت نهادی کاملاً مستقل از جامعه نیست که در حصار رویه‌ها و چهارچوب‌ها محصور شده باشد و حوادث دوران و نگرش‌های اجتماعی بر آن تأثیر نگذارد.

سود، تقاضای دولت قبل از واژه «رئیس»

با نگاهی به گذشته می‌توان دریافت که در دولت‌های یازدهم و دوازدهم که رئیس آن‌ها شعار اعتدال روی کار آمد، ارتباط دوسویه نهاد دولت با مردم چندان پررنگ نبوده است و این موضوع به ویژه در دولت دوازدهم به اوج خود رسید. افزایش برخی نارضایتی‌ها و اعتراضات، افزایش مشکلات اقتصادی و سیاسی و ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر و درست با جامعه از جمله نشانه‌هایی هستند که می‌توانند این نتیجه‌گیری را پررنگ کنند. تا جایی که حتی رئیس‌جمهور وقت از برقراری ادبیات گفت‌وگویی که در شأن مردم باشد و کرامت و ولی نعمت بودن آنها را روح نهد نیز ناتوان بود. اگرچه کارکرد اصلی دولت سیزدهم همانند تمام دولت‌های دیگر کارکرد حل مشکلات اصلی جامعه است، اما آیت‌الله رئیسی به عنوان رئیس‌جمهور، در ابتدای کار خود با چالشی بسیار بزرگ‌تر روبه‌رو بود

این مفهوم و اعتقاد به آن در بدنه دولت سیزدهم و در مشی رئیس‌جمهور آن بسیار برجسته است. میزان گسست اجتماعی از دولت دوازدهم به قدری بوده که گاه حتی بخشی از جامعه صرفاً از دیدن یا شنیدن صحبت‌های رئیس‌جمهور وقت در رسانه‌ها عصبانی می‌شدند. به این دلیل که میان او و خود فاصله بسیاری می‌دیدند و دغدغه‌های دولت از دغدغه‌های مردم بسیار دور بود. گزاره رایج در دولت دوازدهم به ویژه در سال‌های پایانی آن در میان مردم آن بود که اگر این دولت کاری نمی‌کند، لاقفل مدیران آن سکوت‌کنند و بیشتر به زخم ما نمک نهند.

و آن ترمیم پیوندهای آن هم گسسته میان نهاد دولت و جامعه بوده است. در حقیقت برای آنکه دولت بتواند زمین‌ای برای حل مشکلات جامعه فراهم کند، لازم بود تا اعتماد بخش‌هایی از مردم به دولت را که طی فعالیت دولت گذشته در سال‌های گذشته دست رفته، بازگردانده و ترمیم سازد. مأموریت‌های کلی و اصلی تعریف شده برای نهاد دولت دنبال شود. در حالی که رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم خود را چندان به جامعه پاسخگو نمی‌دانستند و با مردم ارتباط نزدیکی نداشت، رئیس

این مفهوم و اعتقاد به آن در بدنه دولت سیزدهم و در مشی رئیس‌جمهور آن بسیار برجسته است. میزان گسست اجتماعی از دولت دوازدهم به قدری بوده که گاه حتی بخشی از جامعه صرفاً از دیدن یا شنیدن صحبت‌های رئیس‌جمهور وقت در رسانه‌ها عصبانی می‌شدند. به این دلیل که میان او و خود فاصله بسیاری می‌دیدند و دغدغه‌های دولت از دغدغه‌های مردم بسیار دور بود. گزاره رایج در دولت دوازدهم به ویژه در سال‌های پایانی آن در میان مردم آن بود که اگر این دولت کاری نمی‌کند، لاقفل مدیران آن سکوت‌کنند و بیشتر به زخم ما نمک نهند.

و آن ترمیم پیوندهای آن هم گسسته میان نهاد دولت و جامعه بوده است. در حقیقت برای آنکه دولت بتواند زمین‌ای برای حل مشکلات جامعه فراهم کند، لازم بود تا اعتماد بخش‌هایی از مردم به دولت را که طی فعالیت دولت گذشته در سال‌های گذشته دست رفته، بازگردانده و ترمیم سازد. مأموریت‌های کلی و اصلی تعریف شده برای نهاد دولت دنبال شود. در حالی که رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم خود را چندان به جامعه پاسخگو نمی‌دانستند و با مردم ارتباط نزدیکی نداشت، رئیس

کلی ترتیب داد. اما روندی که از ابتدای روی کار آمدن رئیس‌جمهور این دولت وجود داشته و در رسانه‌ها نیز پررنگ بوده است، نوعی دولت‌هراسی و دولت‌ستیزی بوده است. بسیار مهم است که بدانیم در یکسالگی دولت باید از آن چه خواهیم چه نخواهیم. عدم حضور درصد قابل توجهی از افراد در انتخابات، نتیجه طبیعی ناکارآمدی‌ها و مشکلاتی بود که دولت قبل برای مردم باقی گذاشت. دولت دوازدهم با عملکرد غیرقابل دفاع خود نوعی بدبینی را در جامعه نه تنها نسبت به خودش که نسبت به ساخت کلی دولت به وجود آورد. این بدبینی و سرخوردگی به حدی شدید بود که به نظر نمی‌رسید قابل ترمیم باشد یا حداقل در این مدت زمان کم قابل ترمیم باشد. اما ترمیم پیوندهای میان جامعه و دولت که از سوی دولت سیزدهم مورد توجه قرار گرفته و تا حدی تحقق پیدا کرده است، به اندازه‌ای قابل توجه بوده که توانسته حتی دیدگاه بخش‌هایی از مخالفان دولت و کسانی را که در انتخابات شرکت نکرده بودند، تغییر دهد. این تغییر دیدگاه لزوماً به این معنا نیست که آنها به حامیان دولت تبدیل شدند که البته چنین انتظاری هم چندان منطقی نیست، بلکه ایجاد نوعی تعدیل در دیدگاه بدبینانه آنها نسبت به دولت بوده است. بدبینی که ریشه در ناکارآمدی‌های دولت قبل و واقعیت‌های آن مقطع داشت، اکنون تعدیل و تبدیل بازار برگشته، بلکه آشتی میان دولت و نهاد ملت مهم‌ترین دستاورد دولت سیزدهم در این مدت بوده است. دستاوردی که می‌تواند در سال‌های پیش رو پشتوانه مهم برای آن محسوب شود.

صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران می‌دانند که هنوز بسیار زود است که بتوان بر مبنای همین چند ماه که دولت سیزدهم روی کار بوده، نتایج کلی گرفت و قضاوت

مهم‌ترین دستاورد یک سالگی دولت که هنوز هم موعد آن سر نرسیده، نه اقدامات اقتصادی انجام شده است و نه میزان تورمی که کاهش یافته و نه ثباتی که به بازار برگشته، بلکه آشتی میان دولت و نهاد ملت مهم‌ترین دستاورد دولت سیزدهم در این مدت بوده است. دستاوردی که می‌تواند در سال‌های پیش رو پشتوانه مهم برای آن محسوب شود.

صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران می‌دانند که هنوز بسیار زود است که بتوان بر مبنای همین چند ماه که دولت سیزدهم روی کار بوده، نتایج کلی گرفت و قضاوت

مسأله اصلی دولت در ایران در مقاطع مختلف متفاوت بوده است. اگرچه متفکران و نظریه‌پردازان علوم سیاسی همواره درباره دولت مدرن کارکردهای ثابت و مشخصی را در نظر گرفته‌اند، اما این بدان معنا نیست که ماهیت دولت در هر مقطع و اولویت اهداف اصلی آن تغییر ناپذیر است. دولت نهادی ثابت و مکانیکی نیست که از شرایط اجتماعی تأثیر نپذیرد، اتفاقاً دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی کمابیش از شرایط اجتماعی تأثیر پذیرفته‌اند و نشان روشن این موضوع شعارها و دال‌های گفتمانی آنها است که قبل از روی کار آمدن مطرح کرده‌اند. انتخاب این شعارها و دال‌ها عمدتاً بر مبنای تشخیصی بوده که از مسائل روز و مطالبات و دغدغه‌های جامعه داشته‌اند. این دولت‌ها بعد از روی کار آمدن نیز سعی کرده‌اند بر ساخت رسانه‌ای خود را بر مبنای همین شعارها طراحی کنند و گزاره نیست اگر گفته شود که حتی سیاست‌گذاری دولت‌ها نیز بر مبنای آنها صورت گرفته است. شاید بتوان گفت که دولت‌ها در ایران بیشتر از دولت‌ها در سایر کشورها از جامعه تأثیر می‌پذیرند. این در عین حال که می‌تواند آسیب‌هایی را برای ثبات و انسجام نهاد دولت به دنبال داشته باشد، اما به طور کلی نشان دهنده پیوندهای عمیق این نهاد با جامعه است. البته در شرایط زمانی و در دولت‌های مختلف، این پیوندها کمابیش کمرنگ یا پررنگ شده‌اند و اینکه این پیوندها در کدام دولت‌ها کمرنگ و در کدام دولت‌ها پررنگ بوده است، ارتباط زیادی به شخص رئیس‌جمهور و دایره اطرافیان وی داشته است که البته پرداختن مفصل به این موضوع، هدف یادداشت حاضر نیست. احتمالاً خود مخاطب بخوبی می‌تواند برای این موضوع مصداق‌یابی کند.

”